

اهل حق

اگر چه بسیاری از پژوهشگران غیر ایرانی و ایرانی کوشیده‌اند، شناسنامه مهرپرستی و پاک دینی زرتشتی و مانی گری و مزدکی گری برای مذهب یارسان به دست دهند و آن را به دورانهای پیش از اسلام برگردانند تا به درستی و به حق این آئین تناسخی را از اسلام دورنگهدارند، ولی واقعیت آنست که آئین یاری (یارسان) با وصف تشابهات و پذیرش نکاتی از دین‌های پیش از اسلام، کمترین ارتباط و همراهی با آنها را دارد و این دین یک آئین ابداعی پس از اسلام است که با مطرح نمودن فلسفه سر مگو (رازداری) و تناسخ روح برجسته گردیده‌است. از آنجا که یارسانیان، مهر یا خورشید را مقدس می‌دانند و پایبند به پاکی و راستی و درستی و مساوات و برابری هستند، به همین دلیل پژوهشگران خاورشناس را به این راه کشانده که ریشه مهرپرستی و مزدکی گری برای یارسانیان بجویند.

در فلسفه یاری آمده است که یارسان به تکامل جهان در مراحل مختلف، مانند مرحله شریعت (از زمان آدم تا دوره محمد ص)، طریقت (از زمان علی تا دوره شاه خوش نشین)، معرفت (از زمان شاه خوشین تا دوره سلطان سهاک) و نهایتاً دوره حقیقت (از زمان سلطان سهاک به بعد) اعتقاد دارد. یعنی یارسانیان مرحله یا دوره شریعت را اطاعت بی‌چون و چرای آفریده از آفریدگار و دوره طریقت را در جستجو و تعیین راه و طریق برای نزدیکی انسان به خدا و معرفت را دوره عرفان و دوری و بیزارى از خود خواهی و مادیات دانسته و دوره حقیقت که مرحله تکامل یافته تر خودشناسی و خداشناسی است، مرحله حق و حقیقت می‌داند که در آن، بقاء را در فنا، یا به گفته بودا در نیروانا می‌جوید.

اهل حق یک طریقت باطنی است که معتقدان به این مسلک بیشتر در غرب ایران زندگی میکنند. اینان را به اشتباه علی‌اللهی میخوانند.

اهل حق به نامهای اهل سر ، نصیری نیز شهرت دارند. خود اهل حق از انتساب به نصیری ها بیزارى می جویند. از نشانه های ظاهری آنان داشتن شارب (سبیل) بلند است. از نظر اینان شارب ، معرف مسلک حقیقت بوده و باورشان اینست حضرت علی شارب خود را نمی زده و تراشیدن آن را گناه میدانند. اساس طریقت اهل حق ، کوشش برای وصول به حق و خداوند می باشد که لازمه آن در مرحله نخست عمل به شریعت است و رعایت آداب دین. مرحله بعد از شریعت ، همان طریقت میباشد که پیمودن راه وصول به خداست.

طریقت اهل حق ، سرشار از اسرار است که آن سر نبوت است و خداوند آنرا به پیامبر فرمود و بعد از او این سر بنام امامت است که آن حضرت به علی (ع) فرمودند و همچنان تا امام دوازدهم ادامه داشته و در زمان غیبت به قطب اهل حق گفته شده تا منبع ارشاد باشد.

سه اصل زرتشت یعنی پندار و گفتار و کردار نیک از اصول اولیه اهل حق است.

از جمله اعتقادات دیگر اهل حق تناسخ یا حلول روح فرد ، پس از مرگش در انسان دیگریست. اینان معتقدند در وجود هر انسانی ذره ای از ذرات الهی است و ظهور روحانی حق در صورت جسمانی پاکان و برگزیدگان همیشه در گردش میباشد و آنرا گردش مظهر به مظهر می نامند. از نظر اهل حق ، تناسخ و جای به جای شدن، پاک شدن آدمی از گناهان است.

اهل حق حضرت علی را تجلی ذات حق دانسته و وی را مظهر تمام و کمال خدا میدانند.

محل اجتماع دروایش اهل حق ، جمخانه (جمع خانه) نام دارد. در مراسم ذکر ، از آلات موسیقی چون دف و تنبور بهره می گیرند.